

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

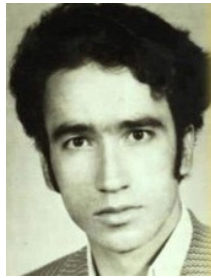
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۱۲ نومبر ۲۰۲۲



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد» تبلیغ منظوم!

(۴)

بباید توده ها را رهنمائی
در اینجا رهبرِ دانا است کمبود
اگر بنیان طرحی راستین است
بر آن بنیان کاخی میتوان ساخت
اگر تهداب، پیمانی دروغ است
به مردم جوش باید خورد بسیار
چو تا دیروز از آنان دور بودیم
بباید شست داغ ننگ «شعله»
ندارد سود در پیکار جاری
سخن بایست از علم و عمل کرد
چو چشمان امید خلق بر ماست
به نام پاکِ خلقم باد سوگند
فرو گردد به چشم گر خدنگی
که یابد زود از این ورطه رهائی
وگر نه زود یابد وضع بهبود
بلد معمار آن سبک نوین است
گزار آن گلگون درفشی باید افراشت
همانا مشعلش هم بی فروغ است
چنین باشد برای ما سزوار
بسی در تکروی مشهور بودیم
بباید محو کردن رنگ «شعله»
فقط بد گفتن «هادی» و «یاری»
که درمان میپذیرد این چنین درد
چو خورشید عیان این نکته پیداست
نمی خواهم گسست از توده پیوند
نیاسایم ز درد آن درنگی

شکافند سینه گر با خنجر تیز
نمایند پاره پاره گر بدن را
گرم در کوره آتش بسوزند
به خنجر گشتم هر دودیده
نه ترسی باشم از کنج زندان
نه بیمم باشد از قعر سیه چاه
به دارم گر بیاویزند با مو
به سوزن گر بدوزند دهان را
نه من را میشود فریاد خاموش
ز هر مویم دوصد فریاد خیزد
اگر هم بگذرد صد ماه و سالی
به بار آید درخت من سرانجام
برای خلق، بستان آفرینم
زبان برگ من خواند سرودی
"شعار ما وفا در کار و پیکار
دلم با دشنه ای سازند خونریز
بکوبند روح و جان خسته تن را
مرا با شعله سرکش بسوزند
نمی گوردم ز راه بر گزیده
نه باکی باشم از دادن جان
نه از فرط ستم خواهم کشید آه
شود جاری اگر از خون من جو
جدا سازند با تیغی زبان را
نه خونم مینشیند هرگز از جوش
شعار رزم با بیداد خیزد
نریزد برگ آن از هر شمالی
بگیرند مردمان از میوه اش کام
ز رنگ و بو، گلستان آفرینم
کند با مردمان گفت و شنودی:
ز هر چیز دگر بیزار بیزار!"

به بیداری وجدان باد سوگند

که در این عهد باشم سخت پابند